



رفتارهای نوظهور در مجالس عزاداری؛ خوب یا بد؟

اشاره

عزاداری و سینم‌زنی برای مصائب امام حسین علیه السلام، از ابزارهای زنده نگه داشتن پیام حادثه عاشور است. همین مسئله نشان دهنده اهمیت سینه زنی است، اما توجه بیش از حد به نفس سینم‌زنی، ممکن است باعث امالت بخشیدن و تبدیل آن به پرده‌ای که مانع رسیدن پیام عاشور است شود. متن حاضر با بیانی روایی و با به تصویر کشیدن دو مجلس متفاوت از عزاداری امام حسین علیه السلام، به این موضوع می‌پردازد. حسین علیه السلام که بود؟ برای چه به کربلا آمد؟ چه کسی او را مجبور کرده بود به کربلا بیاید؟ برای چه شهید شد؟ خانواده‌اش چرا همراهِش آمده بودند؟



هادی ناگویی

برداشت اول:

شاید برای اینکه ما بیشتر گریه کنیم، بهتر سینه بزنیم، بیشتر بر سر و رو بکوبیم، بلند تر ضجه بزنیم، بلندتر ناله کنیم و مجلس پر شورتری داشته باشیم؛ بلندگوها را بزرگتر و قوی تر می‌کنیم، برای مجلسمان بیشتر تبلیغات می‌کنیم و آهنگ های جذاب‌تری برای اشعار مداحی‌هایمان انتخاب می‌کنیم تا هماهنگ‌تر و جالب‌تر و جذاب‌تر سینه بزنیم و

بیشتر گریه کنیم، برای مداحی الفاظ و نقل قول‌ها و اشعار و سبک‌ها و لحن‌های سوزناک‌تر انتخاب می‌کنیم، سعی می‌کنیم بانی‌های مناسب‌تری برای هیئتمان پیدا کنیم. عنوان هیئتمان را به گونه ای انتخاب می‌کنیم که شیفتگی برای گریه کردن در آن مشهورتر باشد. همه را دعوت می‌کنیم، همه و همه را؛ از دوست و آشنا و هم محلله‌ای و هم مدرسه‌ای و هم کوچهای و همشهری و... تا مجلس برای سینم‌زنی شلوغ‌تر باشد. حسینیه خودمان کوچک است. از چند ماه قبل یک فضای بزرگ و مناسب‌تر تدارک می‌بینیم. تصاویر بزرگ‌تری از تمثال امام حسین علیه السلام با پیشانی مجروح شده، حضرت عباس علیه السلام هنگام امتناع از نوشیدن آب و اسب تیر خورده امام حسین علیه السلام در مجلس و محفل و حسینیه و تکیه و هیئت و دسته عزاداریمان نصب می‌کنیم. اسم هیئتمان را بزرگ می‌نویسیم. سخنرانی حاج آقا خیلی مهم نیست، از مداحان معروف‌تری دعوت می‌کنیم. فیلم برداری مناسب‌تری از مجلسمان انجام می‌دهیم. در مجلس سینم‌زنی یقه می‌دریم و سر و صورتمان را مجروح می‌کنیم. نوار و سی دی هیئت را هم با تبلیغات مناسب برای نام هیئت توزیع می‌کنیم.

اشعار مداحی‌ها را عاشقانه‌تر و رمانتیک‌تر می‌کنیم. در آهنگ مداحی از سبک خوانندگان معروف تقلید می‌کنیم تا جذابیت بیشتری داشته باشد. خودمان هم در نزدیکی مداح می‌نشینیم و مداحی را گرم‌تر می‌کنیم.

لازم نیست زنجیر طلایت را باز کنی. فقط سینم‌زنی مهم است. به آقا بگویید زودتر سخنرانی‌اش را تمام کند. بچه‌ها را هم خبر کنید سینم‌زنی را شروع کنیم. جوان‌ها آهنگ خواننده‌های آن طرف آب را بیشتر می‌پسندند؛ از همان‌ها تقلید می‌کنیم. روابط بین عناصر حادثه عاشورا باید عاشقانه‌تر و امروزی‌تر باشد؛ مثل کاراکترهای فیلم‌های عاشقانه. باید برای عروسی حضرت قاسم، چیزهای بهتری برای گفتن پیدا کنیم. مهم نیست امام حسین علیه السلام در روز عاشورا چند نفر را کشت، چند نفر بیشتر که از کرامات حضرت چیزی کم نمی‌کند. اما... اما، امام حسین علیه السلام واقعا؟ که بود؟ برای چه به کربلا آمد؟ چه کسی او را مجبور



کرده بود؟ برای چه شهید شد؟ خانواده‌اش چرا همراهش آمده بودند؟ «اصلاً»
واقعۀ عاشورا برای چه به وجود آمد؟

برداشت دوم:

امام حسین علیه السلام شاید به این دلیل با خانواده‌اش به کربلا آمد و شهید شد که از چسبیدن ننگ نامسلمانان به نام اسلام جلوگیری کند. شاید برای این شهید شد که بعد از او ما بر ظلمی که بر او رفته گریه کنیم و با این گرییدن آرمانش را به یاد آوریم؛ امر به معروف و نهی از منکر در برابر ظالمان و اصلاح امت جدش رسول خدا (ص).

برای مجلسمان از بهترین سخنران‌ها دعوت می‌کنیم، از همان سخنران‌های

بی‌جهت به واقعیت‌ها اضافه یا از آن کم کند، به او تذکر بدهیم تا ما هم در گناه او شریک نشویم.

از جوان‌هایی که دوست دارند در اداره مجلس همکاری کنند، آنهایی را انتخاب می‌کنیم که ساده‌تر و صمیمی‌تر هستند، نه آنها که با هیئت خودشان اختلاف پیدا کرده‌اند و می‌خواهند به این هیئت بیایند تا ساز خودشان را بزنند و علم خودشان را بلند کنند. نمی‌خواهیم هر کسی از راه رسید بیاید و مجلس گردن امام حسین علیه السلام شود. هم باید ظاهرش مناسب باشد و هم باطنش. اگر هم بنا شد از مراسم فیلم برداری کنیم، یادمان باشد به بچه‌ها بگوییم که بدن‌هایشان را عریان نکنند.

اگر بتوانیم یک کار دیگر هم انجام بدهیم، خیلی خوب می‌شود؛ اسم و شماره تلفن بچه‌هایی را که منظم به هیئت می‌آیند، بگیریم، تا در برنامه‌هایی که غیر از محرم هم داریم، حضور داشته باشند و هیئتمان فقط ویژه ماه محرم نباشد.

باسواد و آگاه که هم زبان جوان‌ها را می‌فهمند و هم می‌توانند خوب حرف بزنند. از قبل به حاج آقا می‌گوییم که قرار است برای جوان سخنرانی کند تا هر طور خودش صلاح می‌داند از خصوصیت‌های جوان‌هایی که در کربلا شهید شده‌اند، بگوید. وقت بیشتری هم به سخنرانی اختصاص می‌دهیم تا حق مطلب ادا شود. زمان سخنرانی را هم طوری انتخاب می‌کنیم که همه بتوانند در آن شرکت کنند. در همان ابتدای مراسم با یک چای از مردم پذیرایی می‌کنیم تا در وسط سخنرانی نخواهیم نظم جلسه را به هم بزنیم. اگر دیدیم استقبال خوب است، از شب‌های بعد کنار در حسینیه هم باند نصب می‌کنیم تا اگر کسی آمد و داخل جا نبود، بیرون بنشیند و از مراسم استفاده کند، البته مواظب باشیم که صدا برای همسایه‌ها مزاحمت نداشته باشد.

به جای اینکه در و دیوار حسینیه را از تمثال ابا عبد الله علیه السلام و اصحاب ایشان پر کنیم، چند تا از احادیث زیبای امام حسین علیه السلام را انتخاب می‌کنیم و بر پارچه نوشته‌هایی در حسینیه نصب می‌کنیم. سعی می‌کنیم شب‌های آخر به تمام کسانی که در مجلس شرکت می‌کنند، یک زیارت عاشورا هدیه بدهیم؛ هزینه زیادی هم ندارد.

برای مداحی هم یکی از مداح‌های جوان و باصفا را دعوت می‌کنیم تا با همان صفا و خلوصش، قلب بچه‌ها را جلا بدهد. آهنگ اشعار سینزنی‌اش نو و جذاب و با مجلس امام حسین علیه السلام و شور و حال جوان‌ها سازگاری و سنخیت داشته باشد.

باید حواسمان باشد از آن مداح‌هایی نباشد که برای گریه گرفتن از جمعیت، هر کاری می‌کند؛ نه دروغ بگوید و نه مبالغه کند. اگر مداح هیئت

